

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

گزارشی از اخلاق و مفاهیم اقتصادی در رساله حقوق امام سجاد(ع)

محمدهادی رجائی لیتکوهی،^۱ سعید امامقلی‌زاده،^۲ حمیدرضا رضوی،^۳ هاجر رجائی
لیتکوهی،^۴ امین هاشم‌پور^۵

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی رساله الحقوق امام سجاد(ع) از منظر ادبیات علم اقتصاد انجام شد. این رساله با بیش از ۵۰ وظیفه برای فرد نسبت به دیگران، درسنامه‌ای اخلاقی و بیان‌کننده رفتار انسان در حوزه روابط فردی و اجتماعی است. حقوق مطرح‌شده در این رساله، در برگیرنده بسیاری از روابط اجتماعی انسان است. **روش:** در این مقاله سعی شده است با تکیه بر قرآن کریم و نیز استفاده از چارچوبهای دانش اقتصاد، به استخراج مفاهیم اقتصادی از رساله الحقوق پرداخته شود. **نتایج:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد مفاهیمی مانند همزمانی منفعت دین و دنیا، ممنوعیت مطلق مال حرام، صدقه: پس‌انداز - امانت نزد خداوند، تکلیف آسان بر مردم: عدم افراط، حق حاکم: وظیفه در مقابل مردم، حق مردم بر حکومت، حق شریک، حق مال و حق بستانکار، مفاهیمی‌اند که امام سجاد(ع) دیدگاههای اقتصادی خویش را ذیل آنها مطرح فرموده‌اند.

واژگان کلیدی: رساله حقوق، امام سجاد، اقتصاد، اخلاق.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

۱. دکترای اقتصاد، استادیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه شمال، آمل، ایران. hadi.rajaii@gmail.com
۲. دکترای مدیریت دولتی؛ دانشیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه شمال، آمل، ایران (نویسنده مسئول). نشانی: آمل؛ کیلومتر ۵ جاده هراز، دانشگاه شمال. کد پستی: ۴۶۱۶۱۸۴۵۹۶. نمابر: ۰۱۱۴۴۲۰۳۶۳۸ / gholizadehsaeid@gmail.com
۳. دکترای بهسازی منابع انسانی؛ دانشیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه شمال، آمل، ایران. Hr.razavi1@gmail.com
۴. دکترای نانو فیزیک؛ دانشکده زیست‌فناوری، گروه نانویوتکنولوژی، دانشگاه تخصصی فناوری‌های نوین آمل. H.rajaei@ausmt.ac.ir
۵. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کسب‌وکار، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه شمال، آمل، ایران. aminhashempour00@gmail.com

الف) مقدمه

«رساله الحقوق» یکی از چند اثر منسوب به امام سجاد، علی بن الحسین (ع) است که در آن، حقوق مختلفی را بیان می‌فرمایند. این اثر بدون شک یکی از افتخارات مذهب شیعه است که نشان می‌دهد ائمه اطهار (ع) در امر رعایت و توصیه حقوق بشر، حقوق حیوان و حقوق گیاهان، پیشگام بوده‌اند. در روزگاری که ظلم و خفقان و ستم در زندگی روزمره آن زمان امری عادی به نظر می‌رسید، بیان این رساله از امام سجاد (ع) تأکید می‌کند که ائمه اطهار (ع) از نظر علم و کمال و تقوا، بالاتر از دیگر انسانها می‌باشند.

«رساله الحقوق» عنوان حدیثی طولانی از امام سجاد (ع) و از ارزشمندترین میراث مکتوب ائمه است که برای بسیاری از اهل علم و بصیرت ناشناخته مانده و گرد غربت روی آن نشسته است. این رساله با بیان بیش از ۵۰ وظیفه برای فرد نسبت به دیگران، درسنامه‌ای اخلاقی و بیان‌کننده رفتار انسان در حوزه روابط فردی و اجتماعی است. حقوق مطرح شده در این رساله، بسیاری از روابط اجتماعی انسان را شامل می‌شود؛ از جمله وظیفه نسبت به پدر، مادر، همسر، فرزند، همسایه، استاد، شاگرد، مؤذن، امام جماعت، حکومت و... رساله حقوق مجموعه‌ای از حقوق و وظایف انسان در برابر خدا و خلق و اعمال عبادی و اعضا و جوارح است. حقوقی که امام سجاد (ع) در این رساله مطرح می‌فرمایند، مجموعه‌ای از حقوق مصطلح امروزی در علم حقوق و فقه نیست، بلکه حقوق اخلاقی است که اغلب در علم اخلاق از آنها صحبت می‌شود. سرچشمه اصلی و پشتوانه این حقوق، ایمان به خداوند و دستورات حیاتبخش اوست و حق اوست که اصل است و سایر حقوق از آن مشتق می‌شود؛ زیرا حقوق دیگران زمانی مفهوم پیدا می‌کند که انسان بر خویشتن غلبه کند و حق صاحب حق را بدهد. آنچه امام سجاد (ع) در این رساله بر آن تأکید می‌فرمایند، این است که حق قبل از آنکه گرفتاری باشد، دادنی است. نکته قابل توجه دیگر اینکه، این رساله حاوی تمام حقوق شرعی نیست، بلکه اهم حقوق را مورد بحث قرار داده و در نهایت اختصار و ایجاز، متعرض آن شده و در نتیجه، ابعاد هر حق را به طور کامل بررسی نکرده است.

«رساله الحقوق» امام سجاد (ع) در سه کتاب «تحف العقول» اثر ابن شعبه حرّانی (۳۸۱ ق)، «من لا یحضره الفقیه» و «الخصال» محمد بن علی بن بابویه معروف به صدوق (۳۸۲ ق) ذکر شده است. مؤلف «تحف العقول» این رساله را مانند سایر روایات کتاب، بدون سند آورده؛ اما شیخ صدوق در الخصال، آن را با سند متصل روایت کرده است. در متن سه روایت، اختلافاتی دیده می‌شود؛ از جمله اینکه مقدمه رساله در کتاب «من لا یحضره الفقیه» نیامده

گزارشی از اخلاق و مفاهیم اقتصادی در رساله ... ۷

است و از «حق الله الاکبر» آغاز شده است و عبارات «الخصال» شرح بیشتری دارد. شروحي نیز بر این رساله نوشته شده است.

در این رساله، انواع حقوقی که مراعات آن بر انسان لازم است، بیان شده که می‌توان آنها را در سه دسته کلی بررسی کرد. این سه دسته کلی را که در احصای امام سجاده (ع) به پنج‌جا حق می‌رسد، می‌توان جامع‌ترین بسته حقوقی دانست که در متون دینی به صورت یکجا بیان شده‌اند. امام سجاده (ع) در این رساله، کلیات رابطه انسان با همه هستی؛ یعنی خداوند، خود فرد و مردم را تبیین فرموده‌اند. می‌توان گفت حقوقی که در رابطه فرد با خود و دیگران بیان شده‌اند، اصول حقوق بشر از دیدگاه امام سجاده (ع) می‌باشند. رساله الحقوق، یکی از مهم‌ترین متون فقهی و اخلاقی در تاریخ اسلام و در واقع مجموعه‌ای از اصول و قواعد اخلاقی و اجتماعی است که در آن به حقوق افراد نسبت به یکدیگر، حقوق افراد بر دولت و مسئولان و حقوق دولت نسبت به افراد پرداخته شده است. این رساله از بُعد اقتصادی نیز قابل تحلیل است و اصولی را در زمینه عدالت اقتصادی، توزیع ثروت، حقوق کارگران، مالیات و سایر مفاهیم اقتصادی بیان می‌کند.

۱. تأکید بر عدالت اقتصادی و توزیع منابع

رساله الحقوق به طور ویژه بر عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد. یکی از نکات مهمی که در این رساله مطرح می‌شود، توزیع عادلانه ثروت و منابع در جامعه است. امام سجاده (ع) به انسانها می‌آموزد که باید انصاف و عدالت را نسبت به همدیگر رعایت کنند و منابع و ثروتهای جامعه باید به طور متوازن و عادلانه بین افراد تقسیم شوند.

۲. حقوق کارگران و انصاف در پرداختها

در رساله الحقوق به حقوق کارگران و پرداخت منصفانه دستمزدهای آنان نیز اشاره و بر لزوم رعایت حقوق اقتصادی و اجتماعی آنان تأکید شده است. امام سجاده (ع) به کارفرمایان توصیه می‌کند که نباید استثمار اقتصادی انجام دهند و باید حقوق کارگران را به طور منصفانه و در زمان مقرر پرداخت کنند.

این موضوع نشان می‌دهد که امام سجاده (ع) به طور ضمنی به مفهوم عدالت در بازار کار و عدم بهره‌کشی از نیروی کار پرداخته‌اند. ایشان با تأکید بر اینکه هیچ فردی نباید تحت فشار یا ظلم قرار گیرد، از مسئولان می‌خواهند نسبت به بهبود شرایط کاری و اقتصادی کارگران، اقدام و از ایجاد نابرابری‌های اقتصادی جلوگیری کنند.

۳. نظام مالیاتی و عدالت در مالیات‌گیری

در رساله الحقوق، مالیات به عنوان یکی از ابزارهای حکومتی برای تأمین رفاه اجتماعی و اقتصادی ذکر شده است. امام سجاد(ع) بر لزوم عدالت در مالیات‌گیری تأکید دارند و از ظلم به مردم در زمینه مالیات‌گیری نهی می‌کنند. امام به حاکمان توصیه می‌کنند که باید مالیاتها را با منطق و عدالت دریافت کنند و از فشار بیجا به طبقات مختلف اجتماعی پرهیزند. این توصیه‌ها بر اصل مهم عدالت مالیاتی در سیستم اقتصادی تأکید دارند که می‌بایست به طور متوازن از افراد مختلف جامعه مالیات گرفته شود و هیچ‌کس تحت فشار اقتصادی اضافی قرار نگیرد.

۴. حقوق فقرا و مستمندان

امام سجاد(ع) در رساله الحقوق، به حقوق فقرا و مستمندان نیز پرداخته‌اند. در این رساله، امام(ع) از مسلمانان می‌خواهند که نسبت به فقرا و کسانی که به منابع اقتصادی دسترسی ندارند، احساس مسئولیت کرده و از بروز فقر در جامعه جلوگیری کنند. این تأکیدات نشان می‌دهند که آن حضرت به طور جدی به مسائل اقتصادی فقرا و طبقات پایین جامعه توجه داشته‌اند و از مسئولان می‌خواهند که شرایط اقتصادی را برای این گروه‌ها بهبود بخشند. در همین راستا، به حکام و کارگزاران توصیه می‌فرمایند که از توزیع ناعادلانه ثروت جلوگیری کنند و از ایجاد شرایطی که منجر به فقیرتر شدن فقرا می‌شود، پرهیزند. این مفاهیم در دنیای امروز نیز می‌توانند به عنوان اصول کلیدی سیاستهای رفاهی و اجتماعی استفاده شوند.

۵. پیشگیری از فساد اقتصادی و سوء استفاده‌های مالی

پیشگیری از فساد اقتصادی و سوء استفاده‌های مالی، یکی دیگر از مسائل مهمی است که در رساله الحقوق به آن اشاره شده است. امام سجاد(ع) به مسئولان حکومتی توصیه می‌کنند که مدیریت منابع عمومی را به گونه‌ای انجام دهند که از بروز فساد جلوگیری شود و ثروتهای عمومی به درستی در اختیار جامعه قرار گیرد.

۶. توسعه پایدار و رفاه اجتماعی

در رساله الحقوق به مفهوم توسعه پایدار نیز اشاره شده است. امام سجاد(ع) بر این نکته تأکید دارند که سیاستهای اقتصادی جامعه باید به گونه‌ای باشند که علاوه بر تأمین نیازهای امروز، آینده‌نگری نیز داشته باشند و منابع به گونه‌ای مدیریت شوند که رفاه اجتماعی در آینده نیز تأمین شود. این مفهوم از توسعه پایدار، در سیاستهای اقتصادی امروز نیز اهمیت فراوانی دارد؛

زیرا در آن به رشد اقتصادی همراه با حفظ منابع طبیعی و تأمین نیازهای آینده جامعه توجه شده است.

ب) پیشینه تحقیقات

طغیانی و خوانساری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «معیارهای انتخاب و تصمیم‌گیری در سبک زندگی اقتصادی از منظر صحیفه سجاده»، درصدد پاسخگویی به پرسش چگونگی سبک زندگی اقتصادی از منظر صحیفه سجاده و ارائه الگویی در این زمینه با استفاده از روش تحلیل مضمون می‌باشند. پس از گردآوری داده‌ها، در نهایت شش اصل حاکم بر انتخابها و تصمیمات اقتصادی که به نوعی بیشترین تأثیر را در شکل‌دهی به سبک زندگی اقتصادی مطلوب دارند، به دست آمده است. با توجه به نوع منبع، بیشترین کدهای استخراج‌شده مربوط به لزوم حاکمیت چارچوب دینی بر انتخابهای اقتصادی بود که از این میان، عقاید و اخلاقیات اقتصادی بیشترین مضامین را در خود داشتند. در نهایت، اصول انتخاب و تصمیم‌گیری اقتصادی استخراج‌شده در بیان امام سجاده (ع) عبارتند از: اصل لزوم حاکمیت دینی در انتخابها، اصل توجه به همبستگی‌های جمعی و وابستگی‌های متقابل، اصل توجه به اصول عقلانی انتخابها، اصل توجه به نتایج و تبعات انتخابها، اصل توجه به تصمیمات بین زمانی و مبادلات حال و آینده و اصل رعایت بهره‌وری.

طاهری (۱۳۹۱) در مقاله «مروری بر دیدگاههای اقتصادی امام سجاده (ع)»، اندیشه‌های آن حضرت را با عناوینی همچون: روزی را از خدا خواستن، بی‌نیازی از دیگران و حفظ آبرو، توانمندی بر عبادت خداوند، درخواست روزی گسترده (توسعه اقتصادی)، روزی حلال، روزی پاکیزه، فقر‌گریزی، کار و کوشش، پناه بردن به خدا از دین و بدهکاری، پرداخت زکات، قناعت و راضی بودن به داده‌های خدا، اسراف، میانه‌روی، دل‌نگرانی از سرکشی هنگام ثروتمندی، انفاق و برکت در مال، معرفی کرده است.

کریم‌زاده (۱۳۹۳) در «بررسی آموزه‌های اقتصادی صحیفه سجاده»، ضمن ارائه دعا‌های ارزشمند امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده، نمونه‌هایی از آموزه‌های آن را در زمینه علم اقتصاد معرفی کرده است. محقق ابتدا مطالب اقتصادی موجود در ۵۴ دعای صحیفه را استخراج و سپس در موضوعاتی همچون: مالکیت حقیقی خدا، فقر، لزوم حمایت از فقرا، روزی‌رسانی خدا، نعمتهای خدادادی و خزانه‌های پایان‌ناپذیر او، اقتصاد، صرفه‌جویی و نفی اسراف و اتلاف، کار و کسب، روزی حلال، قناعت و نفی حرص و طمع، طبقه‌بندی کرده است.

ج) معنای حق

۱. معنای حق در قرآن

حق و حقوق، یکی از مباحث مهم و ارزشمند مطرح در بین جوامع انسانی است که با زندگی انسانها ارتباط مستقیم دارد و از طبیعت اجتماعی بودن انسان نشأت گرفته است. دانشمندان در طول قرون و اعصار، از آن سخن گفته و درباره آن کتابها نوشته‌اند. این موضوع در مکتب انبیای الهی، به ویژه در مکتب اسلام نیز مورد توجه خاص قرار داشته است؛ به گونه‌ای که نظام حقوقی در مکتب انبیا و به ویژه در اسلام، بر اصولی انسانی و الهی استوار است و اهدافی متعالی و مقدس را دنبال می‌کند. این نظام، جامعه را بر اساس کرامت استوار کرده و بر مبنای ایدئولوژی صحیح بازسازی می‌کند. در نظام اسلامی، حاکمیت از آن خداست و قوانین اسلام، هماهنگ با فطرت است و نیازها و تمایات انسان را در حد لازم، نه کم و نه زیاد، مورد توجه قرار می‌دهد و با تأمین مصالح خود و جامعه، استقلال و آزادی، رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی و سیادت جامعه اسلامی در چارچوب یک سری قوانین ثابت و متغیر، انسان را به سوی هدف اصلی آفرینش او هدایت می‌کند.

واژه حق و مشتقات آن در قرآن، ۲۸۷ بار در حوزه‌های معنایی گوناگون به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۸۰). در قرآن، کلمه «حق» برای مفاهیم و معانی متفاوتی به کار رفته است. مهم‌ترین زمینه معنایی این واژه در قرآن، مربوط به مفاهیم وجود و هستی است. مطابق آیات قرآن، مصداق کامل و منشأ اصلی حق، خداوند است؛ از جمله: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (حج: ۶)؛ این دلیل است که خدا حق است و هم او البته مردگان را زنده خواهد کرد و او محققاً بر هر چیز تواناست.

۲. حق به مثابه وظیفه

کلمه حق در یکی از معانی خود، برای تأکید بر انجام دادن کاری به نحو کامل و شایسته به کار رفته است؛ مانند تلاوت کتاب خدا، رعایت تقوای الهی، شناختن قدر خدا و جهاد؛ از جمله: «الَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْكُتَّابُ يَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره: ۱۲۱)؛ کسانی که کتاب بر آنها فرستادیم آن را خوانده و حق خواندن آن را (در مقام عمل نیز) بجا آورند، آنان اهل ایمان‌اند و آنها که به کتاب خدا کافر شوند (و حق‌شناسی نکنند) آن گروه زیانکاران عالم‌اند.

همچنین: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۱۰۲)؛ ای اهل ایمان! از خدا بترسید چنانچه شایسته خداترس بودن است، و نمیرید جز به دین اسلام.

«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ» (انعام: ۹۱)؛ و آنها خدا را آن گونه که باید، نشناختند که گفتند: خدا بر هیچ کس از بشر کتابی نفرستاده. بگو: کتاب توراتی را که موسی آورد و در آن نور (علم) و هدایت خلق بود چه کسی بر او فرستاد که شما آیات آن را در اوراق نگاشته، بعضی را آشکار می‌نمایید و بسیاری را پنهان می‌دارید و آنچه را شما و پدرانان نمی‌دانستید به شما آموختند؟ بگو: خداست (که رسول و کتاب فرستد)، سپس آنها را بگذار تا به بازیچه خود فرو روند.

«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۷۴)؛ (این مشرکان) مقام خدا را آن گونه که شایسته اوست نشناختند (و گر نه جماد ناتوانی را خدا نمی‌خواندند)؛ خدا ذاتی است بی‌نیایت توانا و بی‌همتای شکست‌ناپذیر.

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (حج: ۷۸)؛ و حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و با نفس اماره) به جای آرید (و در طلب رضای او به قدر طاقت بکوشید) او شما را برگزیده (و به دین خود سرافراز کرده) و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهاد (و این آیین اسلام) مانند آیین پدر شما ابراهیم (خلیل است)، او (خدا) شما امت را پیش از این (در صحف او) و در این قرآن مسلمان نامیده تا این رسول بر شما و شما بر سایر خلق گواه (خداپرستی) باشید، پس نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خدا (و کتاب او) متوسل شوید، که او مولی (و پادشاه و نگهبان و حافظ و ناصر) شماست و نیکو مولی و نیکو ناصری است.

به نظر می‌رسد منظور حضرت از حق، اعم از حق (در مقابل تکلیف) و تکلیف است؛ زیرا اثبات حقی برای کسی، مستلزم اثبات تکلیف برای دیگران است. اولین نکته‌ای که در کلام گهربار امام سجاد جلب توجه می‌کند، این است که ایشان هر چند از حقوق نام می‌برند، اما در حقیقت به وظایف انسان اشاره می‌دارند. به همین منظور به اولین حقی که اشاره

می‌فرمایند، حق خداوند در مقابل (بر عهده) انسان است: «اما حق بزرگ‌تر خدا، این است که او را پرستی و چیزی را شریکش ندانی، و چون از روی اخلاص این کار را کردی خدا در عهده گرفته که کار دنیا و آخرت تو را کفایت کند و آنچه از آن بخواهی برایت نگهدارد». در حقیقت؛ این حق، بزرگ‌ترین وظیفه‌ای است که انسان بر عهده دارد؛ یعنی سه وظیفه مهم عبادت (فَأَنَّكَ تَعْبُدُهُ)، یکتاپرستی (لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا) و اخلاص در مقام عبادت و یکتاپرستی (فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ يَخْلَصْ). آنگاه به حق انسان در مقابل خداوند اشاره می‌کند؛ یعنی وظیفه‌ای که خداوند در مقابل انسان بر عهده گرفته است که کفایت امور انسان است: «جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهَا».

د) ملاحظات اقتصادی

با توجه به اینکه به نظر می‌رسد مراد و منظور حضرت از کلمه حق، اشاره به وظایفی است که انسان در مقابل خود و دیگران بر عهده دارد؛ لذا می‌توان به برخی از ملاحظات اقتصادی نیز از این منظر در فرمایش حضرت پرداخت.

۱. همزمانی منفعت دین و دنیا

حضرت در مقام حق زبان می‌فرمایند: «حق زبانت این است که آن را از دشنام ارجمندتر بدانی و به سخن خوب عادتش بدهی و مؤدبش داری و آن را در کام داری، مگر در محل حاجت. و برای سود دین و دنیا و آن را از پرگویی و یاوه‌سرایی کم‌فایده که ایمنی از زیانش نیست و درآمدش کم است، معاف داری. زبان گواه خرد و دلیل بر آن شمرده شود و آراستگی مرد به زیور عقل، خوش‌زبانی اوست و هیچ جنبش و توانایی نیست جز به او».

بنابر این، اگر در یک جا دنیا به مزرعه آخرت تشبیه شده، در اینجا به «تجارتخانه» تشبیه شده است که انسان سرمایه‌هایی را که از خدا گرفته، به گران‌ترین قیمت به خود او می‌فروشد و در برابر متاع ناچیزی، بزرگ‌ترین نعمت را از او دریافت می‌دارد. نظیر همین معنی، در آیه ۱۱۱ سوره توبه نیز آمده است: «خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری می‌کند و

در برابر آن، بهشت به آنها می‌دهد». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۸: ۱۴۷)

زمانی که حضرت در باب حق زبان می‌فرمایند از آن به گونه‌ای استفاده کن که سود دین و دنیا را تأمین کند؛ به این معنی است که اولاً، سود دین و دنیا لزوماً در تعارض با هم نیستند، بلکه می‌توان هر دو را در کنار هم داشت. ثانیاً، اگر با زبان می‌توان به سود دین و دنیا رسید، پس با سایر اجزای بدن، مانند چشم و گوش و دست و پا هم می‌توان کاری کرد که سود دین و دنیا را با هم داشت. نگاه حضرت، مشوق کار و تلاش برای تولید و

خلاقیت و تجارت است. اگر در زندگی می‌توان کاری کرد که هم منفعت این جهان را تأمین کند و هم منفعت آن جهان را؛ هم راحت زندگی باشد و هم آبروی دین؛ بنابر این، بر هم زدن دنیای مردم و تنگ کردن باب معیشت به سودای سوق مردم به بهشت، با ادبیات حضرت سجاد(ع) همخوانی ندارد.

۲. ممنوعیت مطلق مال حرام

حضرت در باب حق شکم می‌فرمایند: «و اما حق شکمت این است که آن را ظرف کم یا بیش از حرام نکنی و از حلال هم به اندازه‌اش بدهی و از حد تقویت، به حد شکم‌خوارگی و بی‌مروتی نرسانی. هر گاه گرفتار گرسنگی و تشنگی شد، او را ضبط کنی؛ زیرا سیری بی‌اندازه، شکم را بیاشوبد و کسالت آورد که مایه بازماندن و دور شدن از هر کار نیک و ارجمند است. و نوشابی که صاحبش را مست سازد، مایه سبکسری و نادانی کردن و بی‌مروتی است».

اولین نکته‌ای که در این فرمایش حضرت وجود دارد، این است که مال حرام، مطلقاً حرام است، چه کم آن و چه زیاد آن؛ یعنی اثر مال حرام کم و زیاد با هم برابر است. در اینجا مقدار مال مهم نیست، اثر مال مهم است. بنابر این، اگر ربا حرام است یا رشوه حرام است، کم و زیاد آن به یک اندازه در انسان اثر دارد. نکته دوم این است که در مال حلال اگر اثر مال مهم است، اما مقدار مال نیز مهم است؛ یعنی اگر مصرف مال حرام مطلقاً ممنوع است، مصرف مال حلال مطلقاً آزاد نیست؛ بلکه اندازه میانه و اعتدال در مصرف مال حلال مهم است. نمی‌توان به این دلیل که مال ما حلال است، در مصرف آن راه اعتدال و اقتصاد را کنار بگذاریم و به اسراف و زیاده‌روی مبتلا شویم. با این توصیف، اگر بخواهیم بر مبنای فرمایش حضرت یک تابع ساده خطی برای منافع حاصل از مصرف بنویسم، چنین خواهد بود:

$$C = \alpha + \beta Y - X, 0 < \beta < 1$$

در این رابطه، C بیانگر منافع حاصل از مصرف و Y بیانگر مال حلال و X بیانگر مال حرام است. همانطور که تابع نشان می‌دهد، ضریب تأثیر مال حلال بین صفر و یک است؛ که دلالت بر راه اعتدال و اقتصاد دارد. اما ضریب اثرگذاری مال حرام، منفی یک است؛ یعنی اثر کم و زیاد آن، برابر است.

۳. صدقه: پس انداز - امانت نزد خداوند

در باب صدقه نیز حضرت به چند ویژگی مهم اشاره می‌فرمایند: «و اما حق صدقه این است که بدانی این امانتی است که تو برای آن نیاز به شاهد نداری و چون بدین عقیده مند شوی، بدانچه در نهانی بسپاری، بیشتر اعتماد داری تا به آنچه آشکار باشد و تو را سزد که به خدا نهانی بسپاری هر چه را خواهی عیان کنی و این راز میان تو و او باشد در هر حال و در آنچه به او سپاری از گواهی گوشها و دیده‌ها علیه او پشتیبانی نخواهی به حساب اینکه به اینها بیشتر اعتماد داری، نه به حساب اینکه در پرداخت سپرده به خدا اعتماد نداری. سپس به صدقه خود بر احدی منت منه؛ زیرا آن برای توسل و اگر بدان منت نهی، در امان نیستی که به روز همان کسی گرفتار شوی که بدو منت نهادی؛ زیرا این خود دلیل است که تو آن را برای خود نخواستی و اگر برای خود می‌خواستی، بر احدی بدان منت نمی‌نهادی. و لا قوة الا بالله». در ابتدا دو نکته برجسته در فرمایش حضرت متجلی می‌شود: نخست اینکه، صدقه پس انداز انسان است نزد خداوند و دوم اینکه، صدقه همراه با منت نباشد. آنچه ابتدا بسیار حائز اهمیت است، اینکه فرمایش حضرت برآمده از کلام خداست و هیچ انحرافی از کلام حق دیده نمی‌شود. برای مثال در قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (توبه: ۱۰۴)؛ آیا ندانسته‌اند که تنها خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد، و خداست که خود توبه‌پذیر مهربان است.

در تفسیر نمونه، ذیل این آیه آمده است: «این تعبیر، عظمت و شکوه این حکم اسلامی را مجسم می‌سازد و علاوه بر تشویق همه مسلمانان به این فریضه الهی، هشدار می‌دهد در پرداخت زکات و صدقات، نهایت ادب و احترام را به خرج دهند؛ چرا که گیرنده خداست». همچنین در روایتی از امام سجاده (ع) آمده است: «إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَقَعُ فِي يَدِ الْعَبْدِ حَتَّى تَقَعُ فِي يَدِ الرَّبِّ» (عیاشی، ۱۳۸۰)؛ صدقه در دست بنده قرار نمی‌گیرد مگر اینکه قبلاً در دست خدا قرار گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰)

در آیه ۲۶۴ سوره بقره نیز می‌فرماید: «ای اهل ایمان! صدقات خود را به سبب منت و آزار، تباه نسازید؛ مانند آن که مال خود را از روی ریا (برای جلب توجه دیگران) انفاق کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد؛ مثل این ریاکاران بدان ماند که دانه را (به جای آنکه در زمین قابلی افشانند) روی سنگ صاف غبار گرفته‌ای ریزند و تندبارانی غبار آن بشوید و آن

سنگ را همان طور صاف و بی گیاه به جای گذارد، که نتوانند هیچ حاصلی از آن به دست آورند. و خداوند گروه کافران را راه (سعادت) ننماید.

شرایط صدقه:

- صدقه باید از اموال حلال و خوب و سالم باشد. خداوند می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت حلال) به دست آوردید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته ایم، انفاق کنید و بدها را برای انفاق در نظر نگیرید، در صورتی که خود شما جنس بد را نستانید مگر آنکه از بدی آن چشم پوشی کنید؛ و بدانید که خدا بی نیاز و ستوده صفات است». (بقره: ۲۶۷)
- بهتر است صدقه و انفاق، مخفی باشد: «هر گاه آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید برای شما بهتر است». (بقره: ۲۷۱)
- صدقه و انفاق همراه با آزار و منت نباشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى». (بقره: ۲۶۴)
- انفاق و صدقه باید توأم با اخلاص و خلوص نیت باشد: «کسانی که اموالشان را برای جلب خشنودی خدا انفاق می کنند». (بقره: ۲۶۵)
- انفاق و صدقه از اموالی باشد که آنها را دوست داریم و مورد علاقه ماست: «هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید (در راه خدا) انفاق کنید». (آل عمران: ۹۲)
- انفاق کننده هرگز نباید خود را مالک حقیقی تصور کند، بلکه باید خود را واسطه بین خدا و خلق بداند: «انفاق کنید از آنچه خداوند شما را نماینده خود در آن قرار داده است». (حدید: ۷)

بنابر این، از منظر ملاحظات اقتصادی می توان به چند موضوع اشاره کرد. اول اینکه؛ صدقه، ذخیره و پس انداز انسان نزد خداوند است. دوم اینکه؛ امانت است نزد خداوند. ویژگی پس انداز این است که مشمول سود می شود و ویژگی امانت این است که هر موقع امانت دهنده بخواهد، می تواند مال خود را طلب کند. حال طبق فرمایش حضرت، صدقه مال امانتی است که امانت دار آن را همراه با سود برمی گرداند؛ یعنی صدقه دهنده هر زمان که به هر دلیلی با مشکلی مواجه شد، خداوند از همان منبع صدقه به کمک او می شتابد. سوم اینکه؛ باید از مال حلال باشد. چهارم اینکه؛ باید مال حلالی باشد که محصول تلاش انسان است: «انْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ». این فرمایش قرآن منافاتی ندارد با اینکه انسان مال حلالی را که

مثلاً از ارث به او رسیده انفاق کند؛ اما تأکید قرآن از «مَا كَسَبْتُمْ» این است که در عین حال که انسان از طرق انفاق و صدقه به دیگران کمک می‌کند، فرد صدقه‌دهنده هم باید رشد کند و این رشد از طریق کسب و کار تحقق می‌یابد. پنجم اینکه؛ اگر صدقه به فرد است، بایستی مخفی و به دور از منت باشد تا سبب تنزل شخصیت کمک‌گیرنده نشود. به همین دلیل است که می‌فرمایند صدقه به دست خدا می‌رسد. اما اگر صدقه برای جمع باشد، مثلاً ساخت مدرسه یا بیمارستان یا دانشگاه، در این صورت لازم است تا علنی شود، به دو دلیل؛ هم فرد کمک‌کننده تشویق شود و هم سایر افراد؛ زیرا این کار سبب رشد جامعه می‌شود و توسعه اقتصادی چیزی نیست جز رشد جامعه. تعریف قابلیت‌محور از توسعه اقتصادی نیز که توسط اقتصاددان برجسته، آمارتیا سن معرفی شد، بر مبنای شکوفایی قابلیت‌های انسان از طریق تحقق آزادی‌های پنج‌گانه، دلالت بر این دارد که تحقق این گروه از آزادی‌ها از طریق رشد جامعه سبب تحقق توسعه پایدار می‌شود. (آمارتیا سن، ۱۳۸۱)

۴. تکلیف آسان در انجام کارهای اقتصادی عام‌المنفعه

همواره یکی از آسیب‌هایی که در جامعه وجود دارد، این است که مردم در کار خیر راه افراط پیشه گیرند. برای نمونه، حضرت در باب قربانی می‌فرمایند: «حق قربانی این است که با قصد خالص برای پروردگار باشد و تنها به منظور رحمت او و قبول او باشد و برای جلب نظر مردم نباشد، و اگر چنین باشی خودفروش و ظاهر ساز نیستی و همانا قصد خدا را داری. و بدان که با آنچه می‌سور است باید خدا را خواست، نه بدانچه دشوار است. چنانچه خدا هم به خلق خود تکلیف آسان کرده و تکلیف دشوار نکرده و همچنین فروتنی برای تو اولی است از خودنمایی و خان‌منشی؛ زیرا خانها هستند که خودفروشی و پرخرجی می‌کنند و اما فروتنی و درویش‌مآبی نه کلفت دارد و نه خرج؛ زیرا موافق سرشت آفرینش‌اند و در طبیعت مخلوق‌اند. و لا قوة الا بالله».

۵. حق حاکم: وظیفه در مقابل مردم

در باب حق حاکم بر مردم، فرمایش حضرت بی‌نهایت عالمانه است: «و اما حق پیشوای حکومت (در ترجمه‌های رساله امام از کلمه حاکم و پیشوای حکومت استفاده شده است) بر تو این است که بدانی تو برای او وسیله آزمایش شدی و او هم به تو گرفتار است به خاطر تسلط بر تو که خدا به تو داده و باید خیرخواه او باشی و با او در نیفتی؛ زیرا بر تو نفوذ دارد و سبب هلاک خود و او گردی و خوار شوی و برای او فروتنی و نرمش کن تا آنجا که رضایت او را به اندازه‌ای که زیانش بتو نرسد به دست آری و زیان به دین تو نرسد و در این باره از خدا یاری جویی و با او مبارزه و عناد نکنی؛ زیرا اگر چنین کردی، او را و خود را

ناسپاسی کردی و خود را به بدی کشاندی و او را هم از جهت خود به هلاکت رساندی و تو سزاواری که کمک او شمرده شوی بر ضرر خود و شریک او باشی در هر چه با تو کند، و لا قوه الا بالله».

اول اینکه مردم وسیله آزمایش حاکم‌اند. وسیله آزمایش برای سنجیدن است؛ سنجیدن عملکرد یک چیز. برای مثال، اگر بخواهیم سطح آموزش یک انسان را در ادوار متفاوت بسنجیم، از نمرات درسی او استفاده می‌کنیم. بنابر این، وقتی مردم وسیله سنجش حاکمان‌اند؛ یعنی باید به مردم مراجعه کنیم و نگاه کنیم به کیفیت و کمیت زندگی مردم. رضایت مردم یکی از شاخصهای سنجش عملکرد حاکمان است. (عملکرد حاکمیت در ارتقای زندگی افراد جامعه خود را به صورت مقبولیت و رضایت نشان می‌دهد. رضایت عامه از حاکمیت، همان مطلوبیت دولت به عنوان یک کالای عمومی است.)

دوم اینکه حضرت می‌فرمایند: «و او هم به تو نیازمند است»؛ یعنی حکومت است که به مردم نیاز دارد و نه اینکه مردم به حاکمان محتاج باشند. (عین فرمایش امام است: «و أَنَّهُ مُبْتَلًى فَيْكُ»؛ یعنی حکومت به تو گرفتار و محتاج است؛ زیرا دوام حاکمیت به ملت است و نه اینکه دوام ملت به حاکمیت.)

نتیجه اینکه، بنابر فرمایش حضرت، از یک طرف دوام و بقای حکومت به مردم است و از طرف دیگر، رضایت مردم وسیله سنجش عملکرد حکومت است؛ یعنی اصالت ذاتی با مردم است و حاکمیت، اصالت ذاتی ندارد، بلکه اصالت کارکردی دارد. پس اینگونه برداشت می‌شود که فلسفه اصلی تشکیل دولت، انجام برخی وظایف معین است. حضرت به طور مستقیم به وظیفه معینی اشاره نکرده‌اند، اما همین که مردم را، یعنی زندگی مردم را وسیله آزمایش و سنجش حاکمان می‌دانند، به این معناست که یکی از کارکردهای مهم حکومتها، بهبود کیفیت زندگی مردم است.

در علم اقتصاد از وظایف حاکمیتی و وظایف سیاستگذاری نام برده می‌شود. وظایف حاکمیتی، مانند وضع قانون و ضمانت اجرای آن، چاپ پول و حفظ ارزش آن، تضمین امنیت در درون و بیرون مرزها و وظایف سیاستگذاری مانند سیاست کاهش بیکاری، رشد اقتصادی، تثبیت تورم و توزیع درآمد. آنچه مهم است، مسئله وظایف است؛ یعنی در اقتصاد برای دولت، حق حاکمیتی یا حق سیاستگذاری قایل نمی‌شوند. گفته می‌شود که دولتها مکلف به انجام برخی وظایف‌اند؛ یعنی انجام بخشی از امور توسط مردم به دولتها واگذار شده است و این وکالت بلاعزل نیست، بلکه هر موقع صلاح بدانند می‌توانند دولت را از مقام

وکالت عزل کنند یا این وظایف را به گروه دیگری واگذار کنند. نکته دیگری که در اینجا حائز اهمیت است، این است که مردم همه وظایف خود را بر عهده دولتها نگذاشته‌اند. بنابر این، دولتها حق دخالت در همه شئون زندگی مردم را ندارند.

در علم حقوق گفته می‌شود که وکیل در مقابل اصیل است و وکالت در مقابل اصالت. اصالت شرط پایداری است و وکالت امری اعتباری. به این معنا، شکل و وظیفه دولتها می‌تواند هر بار به شکلی تغییر کند؛ می‌تواند جمهوری پارلمانی باشد یا جمهوری ریاستی یا خلافتی یا به هر شکل دیگر. مهم، خواست مردم برای پیشبرد بهتر امور است. اما در نهایت حضرت می‌فرماید وظیفه مردم این است که وقتی دولت به وظایف خود به درستی عمل می‌کند، آنها نیز با دولتها همراهی کنند و آسیبی به حاکمیت وارد نکنند.

۶. حق مردم بر حکومت

در باب حق مردم بر حکومت نیز حضرت از باب مرحمت و عدم استبداد و استکبار حاکمان وارد می‌شوند و می‌فرمایند: «و اما حقوق رعیت تو در حکومت بر آنها، این است که بدانی همانا تو با نیروی فزون خود آنها را زیر رعیت گرفتی و همانا ناتوانی و زبونی‌شان آنها را رعیت تو کرده است. پس چه سزاوار است کسی که ضعف و ذلت او تو را بی‌نیاز ساخته از او که او را رعیت و زیردست تو ساخته و حکم تو را بر او نافذ کرده تا به عزت و نیروی خود در برابر تو نتواند ایستاد و بر آنچه‌اش از تو بزرگ و ناگوار آید، جز [به خدا] به ترحم و حمایت و صبر و انتظار یاری نجوید. و چه اندازه برای تو سزاوار است که چون بفهمی چه چیز خدا به تو داده است، از فزونی این عزت و نیرویی که به وسیله آن غلبه کردی بر دیگران، که برای خدا شکر کنی و هر که شکر نعمت خدا کند، به او نعمت بیشتری عطا کند. و لا قوة الا بالله».

حضرت می‌فرماید وقتی حکومت بر مردم تسلط دارد و مردم پناهگاهی جز خدا ندارند، آنگاه وظیفه حاکمیت این است که پناهگاه مردم باشد و از باب رحمت و حمایت با مردم برخورد کند و خدا را مد نظر داشته باشد. به بیان دیگر؛ تسلط حکومت بر مردم نباید سبب تکبر حاکمان شود، که این تکبر آغاز شکل‌گیری دولتهای استبدادی و دیکتاتوری است.

۷. حق شریک

در باب حقوق شراکت و حق شریک در کار و مال، حضرت به چند موضوع اشاره فرموده‌اند: «و اما حق شریک؛ اگر غایب باشد، کار او را بکنی و اگر حاضر است، با او برابر کار کنی و به نظر و رأی خود بدون مشورت او تصمیم‌گیری و مالش را نگه داری و در آن کم یا

بیش خیانت نکنی؛ زیرا به ما رسیده است که دست خدا بر سر هر دو شریک است تا به هم خیانت نکرده‌اند، و لا قوة الا بالله».

- اول اینکه، اگر شریک ما در محل کار حاضر نیست، نه تنها مکلفیم امانتدار اموال ایشان باشیم، بلکه مکلفیم وظایف او را نیز انجام دهیم: «فَإِنْ غَابَ كَفَيْتَهُ».
 - دوم اینکه، اگر شریک در محل کار حاضر است، مکلفیم پا به پای او کار کنیم و وظایف خود را بر عهده او نگذاریم: «وَإِنْ حَضَرَ سَاوَيْتَهُ».
 - سوم اینکه، در کار بایستی با او مشورت کنیم؛ یعنی هم در کار برابر هستیم و هم در فکر و نظر: «لَا تَعْزَمْ عَلَى حُكْمِكَ دُونَ حُكْمِهِ وَ لَا تَعْمَلْ بِرَأْيِكَ دُونَ مَنَظَرَتِهِ».
 - چهارم اینکه، امانتدار مال او باشیم و در این کار خیانت نکنیم؛ هر چند مقدار خیانت کم و یا زیاد باشد: «تَحْفَظُ عَلَيْهِ مَالَهُ وَ تَتَّقِي عَنْهُ خِيَانَتَهُ فِيمَا عَزَّ أَوْ هَانَ».
- بنابر این، حضرت چهار وظیفه را در شراکت نام برده‌اند: جبران عدم حضور؛ تلاش برابر؛ مشورت؛ امانتداری.

رویه حضرت در دوری از کار حرام بسیار درس آموز است؛ اینگونه که برای حرام کم و حرام زیاد به یک اندازه اثر قائل‌اند و به همین دلیل از هر دو اجتناب می‌کنند. آموزنده بودن این رویه از اینجا نشأت می‌گیرد که اگر جلوی اشتباهات کوچک را بگیریم، در عمل جلوی اشتباهات بزرگ را نیز گرفته‌ایم. بحثهای حقوقی مترتب بر این رویه حضرت، برای مرتبه دوم است که به طور مثال این پرسش مطرح می‌شود که آیا لازم است تا مجازات جرایم کوچک مالی با جرایم بزرگ مالی یکسان باشد تا اگر افرادی در مراحل ابتدایی به جرایم کوچک مبتلا شدند، با چنان مجازاتی مواجه شوند که به سراغ جرایم بزرگ نروند؟ مباحث حقوقی در مرتبه دوم جای دارند و رویه‌های اخلاقی - آموزشی در مرتبه اول جای دارند. (قوانین و مقررات، حداقلهای لازم برای بنا و ساختن روابط اجتماعی انسانها در جامعه‌اند. آنچه سبب رشد جامعه می‌شود، موضوعات و رویه‌های اخلاقی است. به همین دلیل، قواعدی که امام سجاده (ع) در بحث شراکت مطرح می‌سازند، وظایف اخلاقی‌اند و نه وظایف قانونی و از این حیث است که گفته می‌شود قانون در مرتبه‌ای نازل‌تر از اخلاق قرار می‌گیرد.)

۸. حق مال

در موضوع حق مال، حضرت به چند نکته توجه داشته‌اند: «و اما حق مال و دارایی این است که آن را نگیری مگر از راه حلال؛ و صرف نکنی مگر در جای حلال و بیجا خرج نکنی؛ و

از راه درست، آن را به جای دیگر نبری؛ و چون خدا داده آن را، جز به راه خدا و آنچه وسیله راه خداست، به کار نبری؛ و به کسی که بسا قدردانی از تو نکند، با نیاز خودت ندهی، و سزااست که درباره آن ترک طاعت خدا نکنی تا به جای تو میراث بماند برای دیگران، و کمک به وارث کنی که از تو آن را بهتر منظور دارد، در طاعت خدا به مصرف رساند؛ غنیمت را او ببرد و بار گناه و افسوس و پشیمانی و عقوبت به دوش تو بماند. و لا قوة الا بالله».

اول؛ مال را از راه درست و حلال به دست آورید: «فَإِنْ لَّا تَأْخُذْهُ إِلَّا مِنْ حَلَلٍ».

دوم؛ آن را در راه حلال خرج کنی: «وَلَا تُنْفِقْهُ إِلَّا فِي حَلَلٍ».

سوم؛ آن را در جای درست و راه درست خرج کنی: «لَّا تُحَرِّفْهُ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَلَا تَصْرِفْهُ عَنْ حَقَائِقِهِ»؛ یعنی اگر پولی باید برای درمان و آموزش هزینه شود، صرف خرید کالای تجملی نشود. این تذکر حضرت به عدم انحراف، هم برای مردم است در زندگی خصوصی شان و هم برای دولتهاست در هزینه کرد بیت المال؛ و اتفاقاً تذکر جدی تر برای دولتهاست. درآمدی که از محل مالیاتها، نفت و گاز، عوارض گمرکی، فروش معادن، شرکتهای دولتی و مواردی از این گونه به دست می آید، بایستی برای توسعه و رشد اقتصادی و نیز بهبود کیفیت زندگی مردم هزینه شود، نه اینکه خرج برنامه های بلندپروازانه حاکمان شود که تجربه نشان داده نتیجه ای جز تورم، گسترش فقر، تحریمهای گسترده تجاری و رکود مزمن اقتصادی نداشته است.

چهارم؛ آن را برای خدا و وسیله راه خدا قرار دهی: «لَا تَجْعَلْهُ إِذَا كَانَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ وَ سَبَبًا إِلَى اللَّهِ».

پنجم؛ در حالی که خودت احتیاج داری، به کس دیگری نده؛ در حالی که قدردان تو هم نباشد: «لَا تُؤْثِرْ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ مَنْ لَعَلَّهُ لَا يَحْمَدُكَ». فرمایش حضرت معطوف به دوری جستن از ایثار نادرست است. مالی که با زحمت انسان به دست آمده، ابتدا بایستی برای فرد و خانواده اش هزینه شود؛ زیرا این افراد، مستحق ترین افراد در مصرف آن می باشند. اینجا تأکید حضرت بر ایجاد و حفظ چتر حمایت مالی از خانواده است.

ششم؛ اگر برای وارث بگذاری، زمانی که در راه گناه مصرف کند، تو در گناه او شریک هستی و اگر در راه درست مصرف کند، برای تو افسوس می ماند که چرا من خودم در راه درست خرج نکردم.

۹. حق بستانکار

«و اما حق بستانکار تو این است که اگر داری، به او پیردازی و کارش را راه بیندازی و غنی و بی نیازش کنی و او را ندوانی و معطل نکنی؛ زیرا رسول خدا (ص) فرمودند نپرداختن توانگر بدهکاری خود را ستم است، و اگر نداری، او را به خوش‌زبانی خوشنود کنی و از او به آرامی مهلت بخواهی و او را به خوشی از خود برگردانی و با اینکه مالش را بردی، با او بد رفتاری نکنی؛ زیرا این پستی است. و لا قوة الا بالله».

حضرت در باب حق بستانکار می‌فرماید: اگر پول داری، طلب بستانکار را پرداخت کن و او را سرگردان نکن؛ اما اگر نداری، با تندی با بستانکار برخورد نکن، بلکه با زبان نرم و لطیف با او صحبت کن و از او مهلت بخواه.

(د) نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد تا رساله الحقوق امام سجاد (ع) از منظر دانش و اخلاق اقتصادی بررسی شود. رساله‌ای که بدین نام خوانده می‌شود، یکی از چند اثر منسوب به امام سجاد، علی بن الحسین (ع) است که حضرت در آن به بیان حقوق مختلف پرداخته‌اند. این اثر بدون شک یکی از افتخارات مذهب شیعه است که نشان می‌دهد ائمه اطهار (ع) در امر رعایت و توصیه حقوق پیشگام بوده‌اند. یکی از ارزشمندترین میراث مکتوب ائمه (ع) که تا کنون برای بسیاری از اهل علم و بصیرت ناشناخته مانده و گرد غربت روی آن نشسته، رساله حقوق امام سجاد (ع) شامل مجموعه‌ای از حقوق و وظایف انسان در برابر خدا و خلق و اعمال عبادی و اعضا و جوارح است. حقوقی که امام سجاد (ع) در این رساله مطرح می‌فرمایند، مجموعه‌ای از حقوق مصطلح امروزی در علم حقوق و فقه اسلام نیست، بلکه حقوق اخلاقی است و اغلب در علم اخلاق از آنها سخن به میان می‌آید. این رساله با بیش از ۵۰ وظیفه برای فرد نسبت به دیگران، در حقیقت درسنامه‌ای اخلاقی و بیان‌کننده رفتار انسان در حوزه روابط فردی و اجتماعی است. حقوق مطرح‌شده در این رساله، در بر گیرنده بسیاری از روابط اجتماعی انسان است.

در این مقاله سعی شده است با تکیه بر قرآن کریم و همچنین استفاده از چارچوب نظری علم اقتصاد، به استخراج مفاهیم اقتصادی از رساله الحقوق پرداخته شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مفاهیمی مانند همزمانی منفعت دین و دنیا، ممنوعیت مطلق مال حرام، صدقه: پس‌انداز- امانت نزد خداوند، تکلیف آسان بر مردم: عدم افراط، حق حاکم: وظیفه در مقابل مردم، حق مردم بر حکومت، حق شریک، حق مال و حق بستانکار، مفاهیمی‌اند که امام سجاد (ع) دیدگاههای اقتصادی خویش را ذیل آنها مطرح فرموده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- صحیفه سجادیه.
- آمارتیا سن (۱۳۸۱). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه حسین راغفر. تهران: کویر.
- حرّانی، ابن شعبه(). تحف العقول.
- حر عاملی (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه.
- شیخ صدوق (۱۴۱۳ ق). من لایحضره الفقیه.
- شیخ صدوق(). الخصال.
- طاهری سید محمود (۱۳۹۱). «مروری بر دیدگاههای اقتصادی امام سجاد(ع)». اشارت (مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما)، ش ۱۴۸.
- طغیانی، مهدی و فریبا حسین خوانساری (۱۳۹۶). «معیارهای انتخاب و تصمیم‌گیری در سبک زندگی اقتصادی از منظر صحیفه سجادیه». اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۱۸: ۱۸۱-۲۱۱.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۸۰). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. قم: [بی‌نا].
- عیاشی (۱۳۸۰ ق). تفسیر العیاشی.
- کریم‌زاده مصطفی (۱۳۹۳). «بررسی آموزه‌های اقتصادی صحیفه سجادیه». هشتمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، اخلاق در اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران.
- کلینی (۱۴۰۷ ق). الکافی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه.
- **Reference**
- Nahj Al-Balagha.
- Abdul Baqi, Muhammad Fouad (2001). **Al-Mu'jam al-Mufashirs lalfaz al-Quran al-Karim**. Qom.
- Al-Harrani, Ibn Sho'beh (No Date). **Tohaf al-Uqol**.
- Amartya Sen (2002). **Development as Freedom**. Translated by Hossein Raghfar. Tehran: Kavir Publications.
- Ayashi (1960). **Tafsir al-Ayashi**.
- Culayni (1986). **Al-Kafi**.
- Hurr Ameli (1988). **Wasaal al-Shi'ah**.
- Karimzadeh, Mostafa (2014). "Study of Economic Teachings of **Sahifeh Sajjadih**". Eighth Biennial Conference on Islamic Economics, Ethics in Islamic Economics and Iranian Economy.
- Makarem Shirazi, Naser (2001). **Tafsir Nemone**.
- Saduq (1992). **Man la-yahduruh al-Faqih**.
- Saduq (No Date). **Al-Khisal**

- Taheri, Seyyed Mahmoud (2012). "**A Review of the Economic Views of Imam Sajjad**". *Esharat (Islamic Research Center of the Islamic Broadcasting Corporation)*, No. 148.
- Toghiani, Mehdi & F. Hossein Khansari (2017), "**Criteria for Selection and Decision-Making in Economic Lifestyle from the Perspective of Sahifeh Sajjadih**". *Scientific-Promotional Quarterly Journal of Islamic Economics and Banking*, Issue 18: 181-211.

